

نوشته : امانول آژرتز

ترجمه : دکتر ابوالقاسم پورحسینی

کیفیت پیدائی احساس مذهبی

کیفیت پیدائی احساس مذهبی

دین و مذهب بصورت واقعیته کلی (۱) و دسته جمعی (۲) ظهور میکند ، گرچه دین امری واحد و حقیقتی کلی است ولی به اشکال و صور مختلف در تمام نقاط زمین یافت میشود . بدان سبب دین را امری گروهی و دسته جمعی دانسته اند که از بدو پیدائی بشریت ، ملاحظه میشود در مراحل مختلف زندگانی اجتماعی ، چه در کلان (۳) و چه در قبایل و عشایر و چه در مدائن و شهرها دین ، تحت حمایت خدایان محلی مردمان را گرد هم آورده و موجب شده است که در بین افراد ، رمز آسانترین و محکم ترین بستگیها و پیوندهای ناگسستنی ایجاد شود .

با وجود خصوصیت کلی و دسته جمعی که مذهب واحد آن است ، ما جز به وسیله استقراء و مقایسه و فرضیات نمیتوانیم پی به مبنا و ریشه آن ببریم .

بسیاری از حوادث و وقایع ، از عهود قبل از تاریخ و روزگاران کهن ، در زیر حجاب قدمت پوشیده شده ولی واجد اهمیت خاص هستند مثلاً " از کشف آتش که متضمن آثار و نتایج نامحدودی است تقریباً " اطلاع زیادی در دست نداریم و هنوز رمز ظهور آن مورد اعجاب است .

با وصف این ، هرگاه در بین انبوه متراکم جمعیت‌ها و جوامع ، اولین تظاهر از مفهوم حیات در سازمان کلان و یا اولین منظره از صحنه مرگ و مراسم تدفین را در مد نظر قرار دهیم نشانه‌هایی از احساس دینی در آنها در میابیم .

هر جا که رد پا و اثری از انسان بیابیم به سایه خدایان نیز بر میخوریم . ابتدائی‌ترین سازمان اجتماعی که ما را بر آن وقوف حاصل است سازمان کلان مبتنی بر توتم (۴) است .

توتم معمولاً حیوانی است به مانند: گریک، روباه، طوطی... که نوعی راز و رمز وودیعهای از اجداد و نیای کهن را واجد است و موجب اتحاد و نزدیکی افراد کلان میشود، ازدواج در بین افراد یک کلان متنوع است و توتم دارای نبرد و قدرتی است که در تمام اجساد افراد کلان سرپا دارد و موجب توحید و یگانگی آنها میگردد .

اعتقاد به توتم ، متضمن تشریفاتی است که با همکاری معنوی و تشریک‌مסاعی اعضای کلان برگزار میشود و آنها را مجبور میسازد که از این نیروی پنهانی اطاعت نمایند .

نظریه توتم اصول و مبانی حرمت "تابو" (۵) را در پی دارد . تابو عبارت است از منع و خودداری از تماس و برخورد با موجودی که جنبه تقدس دارد (مانند زن باردار یا نوزاد) و یا منع تماس و عدم استفاده از استعمال اشیاء و اموری که وجودشان برای جامعه کلان مفید و سودمند است .

رعایت محرمات موجب ایجاد آداب خاصی میشود و افراد را وادار مینماید که به تشخیص امور مقدس و محترم بپردازند .

مراسم تدفین و تسهیل نیز که از اولین ادوار قبل از تاریخ با تشریفات خاص معمول بوده مبین قصد و نیت دینی به تصور بقا و خلود تلقی میشده است .

انسان اولیه جسد و جنازه اجداد و نیای خود را از اجساد و نعش‌های به شمار حیوانات تمهیز میداده و معتقد بوده است که مردگان پس از مرگ ، یک نوع زندگانی جدیدی را از سر میگیرند و آن حیات که به اصطلاح تصویر ضعیف و رنگ باختی از ایام بسیار قدیم است یک نوع پیوستگی و ارتباط بین گور (مقبره) و جهان دیگر (آخرت) برقرار مینماید .

فکر بقا و زندگانی اخروی ، تصور عنصری معنوی (انیری) (۶) از شخصیت‌های نامرئی را فراهم آورده است .

از اواسط عهد حجر قدیم نشانه‌های مشخصی از آداب و تشریفات اعمال معنوی کشف

گردیده، از جمله اجساد مومیائی شده به همراه ابزارهایی در غار سپای (۷) به دست آمده که درخور مطالعه دقیق است از جمله: آن اجساد پوشیده به تزئینات بوده، گردن بندها و دامنه‌های مزین به صدف، بر روی یک بالش سفالینی قرار گرفته و پاهای متوفی به سوی مشرق کشیده شده و اطراف جسد بوسیله قطعات احجار نگاهداری گردیده است. بعد از گذشت مدتی از آن ایام، ابزارها و اسباب منقول از سنگ‌های چخماق ملون، از بلور تخت سنگها، یک چوب (عصا) برای گردش متوفی، در پیرامون بقیه اشیاء مرده در قبر قرار میدادند. در بعضی از قبور مجسمه‌هایی از عاج سکه‌هایی که نقش آنها پاک شده بدست آمده است. اسکلت مردگان به وسیله گرد قرمز رنگی که مظهر رنگ مقدس یعنی خون است رنگین شده و گویا این عمل برای راندن و شکار ارواح خبیث معمول بوده است.

مدتها بعد، اجساد مردگان را به شکل جنین در قبر قرار میدادند و این موضوع به زعم بعضی از باستان‌شناسان متخصص در آثار قبل از تاریخ، این نحوه استقرار مرده در خاک، اشاره به تولد جدید برای یک زندگانی عالی‌تر است و گویا دست و پای مرده را محکم می‌بستند تا مبادا مردگان از جایگاه خود برخیزند و بروند به سر وقت وراثت و بازماندگان فراموش کار و به آنها آزار و اذیت برسانند.

این تفاسیر و آراء خبرگان هر چند آزاد و مختار است اما تفسیرات جزئی روات، خیلی ظریف و دارای نکات دقیق و امروزه این قبیل آداب و رسوم بسیار با معنی و با ارزش است. ظهور صورت و پیکره الاهی‌مرگ بر روی مقابر، اولین و مهم‌ترین چهره خدایان بی‌شماری است که در اقالیم زیرزمینی حکومت میرانند و گوئی از زیر زمین بالا آمده و بر روی سنگ قبر نقش بسته‌اند.

نقاشی‌های رنگ آمیزی شده و سنگ تراشی‌هایی مانند سنگ تراشی شیر سفالی غارتوک دود و برت (۸) یا خرس زخمی در غار منتسپان (۹) که مربوط به زبان ماگدالنی (۱۰) است، این مقابر و غارها را بصورت معابد در آورده و آهنگ دین را در آن نقاط ساز کرده است و بطوریکه از ظواهری غار توک دو دوبرت بچشم می‌خورد، اجداد قدیم انسان بوسیله جاد و با نیروهای نامرئی در ارتباط بوده‌اند. اینک این مساله مطرح میشود که اگر ظهور احساس مذهبی مربوط به فعالیت انسانها بوده نحوه بسط و توسعه آن چگونه بوده است؟ پاسخها و آرائی که درباره این مساله مهم اظهار شده بسیار متنوع و مختلف است. بعضی از مورخین چنین نظر میدهند که نظریه توتمی یک توضیح معقول و وافی در پیشرفت

مذهب است و شاهد این مدعا ادیان مصر است. دیگر مورخین با اتکا به نص کتاب مقدس و با مراجعه به بعضی ملت‌ها که هنوز در مراحل بدایت‌اند تایید میکنند که یک الهام ووحی ابتدائی از سوی خدا به انسانها نازل میشود اما این مردم بر اثر پیروی رذائل فاسد شده مفهوم توحید را ترک کرده و به خدایان گاذب سر تعظیم فرود آورده‌اند. خدایانی که غرق در لذت و دروغ هستند.

برخی دیگر از مورخین، توجه خود را به مانا (۱۱) یعنی نیروئی که تقریباً "ناشناخته مانده و دارای جنبه مادی است معطوف کرده‌اند. این نیرو در بعضی از موجودات و امکانه و اشیاء مضر و متراکم است و در پرتو بعضی آداب و مراسم راضی و خشنود و مجذوب میشود و چه بسا تشکیل سرچشمه و قدرت انسانی را میدهد. بدون شک معادل آن را میتوان در "گاہ" (۱۲) در مصر و در "برهما" ی آئین هند و سراغ کرد.

گروهی دیگر از نظریه جان داری (۱۳) حمایت و طرفداری کرده‌اند این نظر گرچه ضعیف است اما انسانی که با سلاح صیقلی شده، تندهای درختان را خراش‌دار می‌نماید و با دیده جهل و بی‌خبری به عوامل طبیعی مینگرد خود بخود، شطوط خروشان و جنگلهای درهم و برهم و موجودات غول‌بیکر را که دلالت بر عظمت خلقت دارد می‌پذیرد که این اجسام و صور و هیولاهائی که پیرامون او را فرا گرفته‌اند دارای "جانی" مشابه جان او هستند.

احجار و مواد معدنی که از تله یک آتشفشان به اطراف پراکنده میشود به انسان بدوی چنین اعتقادی داده است که یک سنگ‌اندازی در کار است و این سنگ‌رانی‌ها عمدی است، همچنین سیلاب خروشان که ناگهان طغیان میکند و تنی چند از بین نوع انسان را دستخوش امواج خود قرار میدهد موجب این سوء ظن میشود که آبهای موزی عامل " درصد سوء قصد نسبت به انسان هستند.

انسان مدتها میبنداشت که آتشفشان‌ها و جهها دارای ارواح مقتدر و فعال هستند، نشانه‌های این اعتقاد باستانی هنوز در نزد هندوهای هیدانسو (۱۴) مرسوم است که برای انجام نیازمندیهایشان جز چوب خشک به کار نمیرند و از زدن تیشه به ریشه و ساقه درختان که آنها را دارای جان می‌انگارند امتناع می‌ورزند. بعدها که انسان رشد کرد به این اندیشه افتاد که جانی که در اجساد و اجسام و موجودات وجود دارد میتواند از آنها جدا شده و مستقلاً باقی بماند.

ترس و هراس از ارواح، میل به جلب رضا و آشتی با آنها، امید اتحاد و یگانگی با آن ارواح، موجب ابداع مراسم و آداب دینی گردید.

موازی با این تصور، پندار دیگری در انسانها پدید آمد و آن اینکه انسان سعی کرد به جای خدمت کردن به ارواح، به تسخیر و به خدمت گرفتن و رام کردن این ارواح بپردازد و در این جا که اعمال مزبور انجام میگردید، اعمالی که مقدمات جادو و تسخیر ارواح بوده در این موقع گام دیگری برای آشتی با ارواح برداشته شد و آن "قربانی" بود که بشر به وساطت "قربانی" هدیه‌ای ساده به مقدم ارواح تقدیم میداشت و این علامت یک میانجیگری بوده تهیه خوراک مخصوص از گوشت قربانی موجب پیدائی "عشا ربانی" (۱۵) گردید و مؤمنین چنین پنداشتند که با شرکت در محفل عشاء ربانی و استفاده از خوراک مقدس از نیرو و قدرت الهی خاصی بهره‌مند میگردند.

* * *

این اختلاف آراء چه ایمان به قدرت عالی الهام بخش، چه سازمان توفی چه اعتقاد به مانا، چه اعتقاد به جان دار بودن موجودات . . . همه اینها موجب شده است که بشر ابرهای تیر و تاری در افق تاریخ ملاحظه کند و حالا روزگاری پیش آمده است که باید راه دیگری را در این توجیه پیش گرفت.

بنابراین به روزگاران کهن برگردیم. قبیله چادرنشین سرگردان، با گذشت زمان مقیم یک نقطه و ساکن محیط مشخصی گردید و قبیله تبدیل به ملت شد و در همین موقع ارواحی که در روی قربان‌گاهها در حال جولان بود متوقف و تبدیل به "بت" شدند و نظریه چند خدائی ظهور کرد، خدایان زیاد شدند زیرا پدیدارهای طبیعی که گوشمند (۱۶) شدند زیاد بودند. ذکر نام آنان غیر ممکن است چه به هر سوئی که نظر بیندازیم مظهري از خدایان به چشم میخورد و اسامی آنها به تعداد همان عوامل طبیعی بودند که خلعت الوهیت پوشیده بودند و دسته‌های مختلف آنان در ملل گوناگون دارای معانی واحد و پانزدیک به یکدیگر بودند و از آن جمله هستند خدایانی به نام‌های. ایشتار (۱۷) یا آستاراته، نرتوس (۱۸)، لاهه‌خیز (۱۹)، زمین مادر (۲۰). یک نفر کلدانی که به هنگام غروب در شهراور (۲۱) بالا آمدن قرص نقره فام ماه رامی دید به این ستاره آسمان به نام "سن" (۲۲) درود میفرستاد و در اقصی نقاط شرق، در گوشه دیگر زمین در دنیای وسیع نژاد زرد، یک نفر مومن ژاپنی نیز آن را به نام . تسوکی نوکامی (۲۳) ستایش و تقدیس مینمود.

بعدا "قهرمانان، پیشوایان روحانی، امپراتوری که بصورت الوهیت درآمدند مجسم شدند و معابد و کعبه ملت را منتلی از خدایان ساختند. سپس معنویون التقاطی خدایان متعدد را در یک خانه و محراب و جایگاه مستقر ساختند، چنانچه امپراتوران رومی که مسیح را در معبد اصلی و در میان و بالاتر از خدایان قدیمی جای دادند و آرزومند بودند که همه جهانیان به آن سوی چشم بدوزند غافل از این که کسی را در معبد خاص گنجانند که همه مردم دنیا را به آن اعتقادی نبود.

* * *

بالاخره از بطن این ادیان چند خدائی، ارواح برجسته‌ای از مومنین و موقنین پیدا شدند که از این خرده خدایان ناراضی بودند و آرزوی وحدت خدا و وحدت جهانی داشتند و در ازمنه مختلف سعی کردند که فکر خدای یگانه را به جای چند خدائی بنشانند، چنانچه در مصر با تبلیغ خدایان محلی و خصوصی و یا با متعالی ساختن یک خدا از بین خدایان و یا چنانچه در آئین یهود با وعظ و توصیه یک خدای جدید، خواستند این وحدت را پدید آورند...

و چه بسا مجاهدات بوسیله موسسات و مدارس مذهبی به عمل آمد که کم و بیش نتیجه بخش نبود و یا برابر حوادث تاریخی وقفه و سکونی حاصل شد، چنانچه با حمورابی (۲۴) یا آهتکن (۲۵) مساعی توحید گرایان با ناکامی مواجه گردید ولی حضرت محمد (ص) در مساله توحید توفیق یافتند.

پس از این مرحله، بطوری که تاریخ نشان میدهد، غالباً "یک انقلاب داخلی و محدود در هر دینی ظهور کرد و بعد از آن انقلابی کلی پدید آید و مجموعه مذاهب را به دنبال خود بحرکت در آورد.

نکته جالبی که در تاریخ ادیان ملاحظه میشود این است که دستگاههای مختلف دینی، مراسم و سنتها و آداب و سنن و حتی خدایان خود را مبادله نمودند، چنانچه مذاهب بین النهرین، مذاهب بابلی این تبادل و تعویض را انجام دادند و یا این که از بطن آئین قدیمی و کهن آئین جدید سر بیرون کرد، چنانچه آئین بودائی از بطن آیین برهمنائی خارج گردید.

بدین ترتیب در بین دیندگانه‌ها و اضطرابات و نگرانی‌های تاریخی، مذاهب مشابهت‌های زیادی با یکدیگر پیدا کردند و در نظر مورخین قرابت‌های مبهم پنهانی در میان کیش‌های

مختلف پدید آمد. مسائل عمده مانند بذرافشانی که مظهر و نماد مرگ انسانی است (کوئی انسان مانند دانه در خاک نهاده میشود) و درو که به مانند بهار الهی (آخرت و سراز خاک بیرون کردن است) موحد پیدائی خدایان مشابه در بین اقوام مختلف شده است، اوزیریس (۲۶) مانند برگ سبز تازه، گوئی خدائی است که با خدای آدونیس (۲۷) در مصر که در بیبلس (۲۸) دوره رشد گیاهان را رهبری میکند، برادر خوانده است. روایاتی که از قبیله و عشیره‌های مختلف به وسیله سنت شفاهی منتقل میشد غالباً "شبهه یکدیگر است مثلاً" یکسبب یافته شده از الیاف نباتی که در روی رود نیل یا فرات رها و دستخوش امواج شده و حامل کودکان شگفتی چون (موسی) یا (سارگن) (۲۹) بود چنان داستان جالبی را تشکیل میدهد که گوئی دو حادثه را در یک واقعه تجلی میبخشد.

(این دلیل بر مشابهت بین روایات و اخبار و تبادل مقدسات است)، چنانچه در عمق اساطیر فرو رویم داستان سرنوشت انسان را درمی یابیم که چگونه در آن روزگاران آشفته و مظلّم، نوح یا اوتانا پیشتیم (۳۰) یک شیخ قبیله، قوم خودش را به گشتی نشانند و آن گشتی از سینه امواج گذشت و در قله کوه بلندی لنگر انداخت و کشتیبان به وصال و اتحاد با خدا رسید یا زمانی را به خاطر می آوریم که آسمان و زمین شاداب و سرمست از اختلاط یکدیگر بودند، در آن شبهای پائیزی که اودن (۳۱) مقدم برد و کلاغ (حافظه عقل) در ابرها به جستجوی شکار میپرداخت.

یا در آن حالتی که دختران آدمیزاد میرفتند عصرها سرود خوانان از سردابه آب بیاورند، فرشتگانی به چشمان می آمد که بالهای خود را گسترده و بر روی شاخه های نخلستانها ایستاده به فرزندان آدم لبخند محبت میزنند.

یادداشت‌ها

- ۱ - Universal
- ۲ - Collectif
- ۳ - Clan اولین جامعه انسانی که در ابتدا در اسکاتلند و ایرلند پدید آمد.
- ۴ - Totem ریشه کلمه از سرخ‌پوستان اخذ شده و معمولاً "به معنای حیوانی است که افراد کلان آنرا بعنوان جد و نیای قوم ساخته‌اند.
- ۵ - Tabou شیئی مقدس که تماس و برخورد با آن ممنوع است.
- ۶ - Ether
- ۷ - SPY
- ۸ - Tus d'Audulbert
- ۹ - Montespan
- ۱۰ - Magdale ene مربوط به غارهای قبل از تاریخ Madaleine بوده و اسکلنی از انسان در آن یافت و بدین نام خوانده شده است.
- ۱۱ - Mana در نزد اقوام ابتدائی نیروئی به نام و غیر شخصی و به مثابه قدرتی منتشر در تمام موجودات و مبداء حیات و حرکت است.
- ۱۲ - Ka همزاد - قالب مثالی
- ۱۳ - Animismi اسناد جان به همه موجودات و اشیاء
- ۱۴ - Hidatsu
- ۱۵ - Communion مجمع مذهبی که مومنین گردهم می‌آیند و مراسم Eucharistie به عمل می‌آید یعنی پیشوای مذهبی به نان و آب و یا شراب دعا می‌خواند و معتقد است که این دعا به آب و نان و شراب جنبه تقدس بخشیده و خوردن و آشامیدن آن موجب تبرک است.
- ۱۶ - Incarnation تجسید - گوشت‌مند شدن

- ۱۷ - Istar مهمترین الاله بابل، آن را Astarte هم می نامیدند خدای عشق و حیات و باروری .
- ۱۸ - Nerthus یا Hertha در اسطوره های قبایل ژرمنی الاله زمین و باروری .
- ۱۹ - Banie Cheese الاله مقدس و نیکوکار
- ۲۰ - Mere خدای زمین
- ۲۱ - Our یا Ur شهر کلدانی در بین النهرین موطن حضرت ابراهیم
- ۲۲ - Sin
- ۲۳ - Tsouki - No - Kami
- ۲۴ - Hammourabi - پادشاه اولین سلسله بابل صاحب اولین مجموعه قوانین دنیا .
- ۲۵ - Ahktan مومن آفتاب
- ۲۶ - Osiris خدای خدایان مصر
- ۲۷ - Adonis یکی از خدایان یونانی
- ۲۸ - Bybilos محل مذهبی قدیم در فنقیه (در زمان حال در لبنان به نام جبال ایت) .
- ۲۹ - Sargon موسس امپراطوری سامی آکد ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد .
- ۳۰ - Outa - Napishtim
- ۳۱ - Odin خدای اصلی سردمان شمال اروپا